

## پیشگفتار

یکی از ضعفهای نمایان مطالعات ایرانی در حوزه ادب حماسی - حتی در سطح جهانی آن - توجه تقریباً صرف به شاهنامه فردوسی و غفلت از منظومه‌های پهلوانی پس از آن است و بهترین گواه این دعوی هم اینکه در برابر حدود شش هزار کتاب و مقاله درباره فردوسی و شاهنامه (به استناد کتاب‌شناسی فردوسی، تألیف استاد ایرج افشار) شمار مقالات و آثاری که به منظومه‌های پهلوانی پس از آن پرداخته‌اند حتی با احتساب اشارات گهگاهی در میان بعضی از کتابها و مباحث مربوط به شاهنامه، نهایتاً بیش از چند ده عنوان نیست. این در حالی است که اهل فن نیک می‌دانند ادب حماسی ایران پس از اسلام در تعریف دقیق، جامع و مانع آن تنها شامل شاهنامه نیست و افزون بر آن، همه شاهنامه‌های منظوم و منثور پیش از فردوسی تا منظومه‌های پهلوانی، دینی و تاریخی بعد از او را در برمی‌گیرد.

انحصار نوع ادبی حماسه به شاهنامه در سنت پژوهشهای ایرانی باعث شده که در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی در بیشتر دانشگاههای کشور نیز در درس «تحقیق در متون حماسی» غالباً و به رغم نام و سرفصلهای دقیق درس، متن مورد بررسی به شاهنامه - و گاهی گرشاسپ‌نامه - محدود شود و دانشجویان غیر از مباحث نظری درباره منظومه‌های پهلوانی پس از فردوسی - بر اساس منابعی چون حماسه‌سرایی در ایران، تألیف زنده‌یاد دکتر ذبیح‌الله صفا و قلمرو ادبیات حماسی ایران، تألیف دکتر حسین رزمجو - معمولاً با متن این آثار یا حداقل بیشتر آنها آشنا نمی‌شوند و فارغ‌التحصیل دکتری ادبیات فارسی برخلاف متون گوناگونی که از ادب منظوم و منثور عرفانی خوانده و بر رسیده است، از ادب حماسی فقط به شاهنامه آن هم در مواردی به صورت گزیده و نه متن کامل اکتفا می‌کند. این موضوع هر چند

ممکن است از بازتابهای ناخودآگاه یک ویژگی و سنت غالب در ذهن و زبان ایرانی یعنی حاکمیت اندیشه‌های عرفانی و صوفیانه در برهه بلندمدتی از تاریخ فکر و فرهنگ ایران باشد، ولیکن از نظر معیارهای مطلوب دانشگاهی (آکادمیک) و علمی - تحقیقی پذیرفته نیست.

کتاب متون منظوم پهلوانی کوششی است برای جبران - ولو نسبی - این نقصان و در آن باگزینش ۷۶۰۷ بیت از ده منظومه پهلوانی پس از شاهنامه - که مجموع بیت‌های آنها حدوداً ۶۹۲۱۹ بیت است - برگزیده‌ای از این آثار برای آشنایی دانشجویان دکتری زبان و ادبیات فارسی فراهم آمده است. یادآور می‌شود که در مقایسه با پیشینه طولانی و شمار متعدد منتخبات/گزیده‌های منظوم - و حتی بازنویسیهای مثنوی - شاهنامه، درباره خلاصه و گزیده ادب پهلوانی پس از فردوسی تقریباً هیچ کاری صورت نگرفته و تا پیش از مجموعه کنونی تنها دو گزیده از گرشاسپ‌نامه و برگزیده‌ای از سام‌نامه تهیه و منتشر شده است.<sup>۱</sup>

مبنای انتخاب در این کتاب تصحیحات علمی منظومه‌های پهلوانی بوده و چون از سام‌نامه و بخش مفصل‌تر فرامرزنامه هنوز متنی انتقادی منتشر نشده است، ناگزیر از چاپ‌های سنگی هند و نیز طبع حروفی اخیر آنها در تهران استفاده شده است. از برزنامه هم که متن کاملش منظومه بلندی است فقط به‌گزینش از سه هزار و چند بیت چاپ شده آن بسنده و از هر دو تصحیح/چاپ موجود آن بهره گرفته شده است. متنی که فعلاً از گرشاسپ‌نامه در اختیار محققان و علاقه‌مندان قرار دارد، تصحیح شادروان استاد حبیب یغمایی است و طبعاً در گزیده حاضر نیز اساس بررسی و انتخاب همان بوده است ولی درباره برخی از ضبط‌های مبهم،

۱. با این مشخصات: اندرزنامه اسدی (ابیات اخلاقی گرشاسپ‌نامه)، استاد رشید یاسمی، تهران: ۱۳۰۶، ۶۹ ص؛ خلاصه داستان گرشاسپ‌نامه، به کوشش دکتر برات زنجانی، چاپ‌های گوناگون، تهران: امیرکبیر، ۶۳ ص؛ برگزیده سام‌نامه، به انتخاب دکتر منصور رستگار فسایی، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۷۰، ۱۲۸ ص، البته از گرشاسپ‌نامه و برزنامه تلخیصی مثنوی هم چاپ شده است. ر.ک: پهلوان‌نامه گرشاسپ، به کوشش سجاد آیدنلو، چاپ سوم، تهران: مؤسسه فرهنگی اهل قلم، ۱۳۸۴؛ پهلوان سنگانی، به کوشش دکتر اکبر نحوی، تهران: مؤسسه فرهنگی اهل قلم، ۱۳۸۴.

آشفته و نادرست آن از دوست دانشمند و شاهنامه‌شناس جناب آقای دکتر محمود امیدسالار در کتابخانه دانشگاه ایالتی کالیفرنیا - که مشغول تصحیح گرشاسپ‌نامه بر اساس نسخه‌های مختلف این منظومه از جمله دست‌نویسی کهن‌تر از نسخه اساس چاپ مرحوم استاد یغمایی هستند - یاری خواسته شده است و ایشان بزرگوارانه نظر و ضبط مختار خویش را درباره نکات مورد سؤال نگارنده اعلام کرده‌اند که در متن گزیده اعمال و در توضیحات به این تغییر/تصحیح ضبط طبق یادداشت دکتر امیدسالار اشاره شده است. بعضی از اغلاط و مبهمات سام‌نامه نیز از دوست گرامی جناب آقای دکتر وحید رویانی (دانشگاه گلستان) - که تصحیح انتقادی ایشان از سام‌نامه زیر چاپ است - پرسیده شده و همچون مورد پیشین، تغییرات انجام گرفته در متن بر پایه پاسخهای لطف‌آمیز ایشان، در توضیحات ذکر شده است.

درگزینش ابیات از منظومه‌ها سعی شده است که روند اصلی و تسلسل کلی روایات آنها حفظ شود و با اینکه تقریباً یک‌دهم از مجموع بیت‌های این آثار در برگزیده کنونی آمده است، خوانندگان محترم با کلیت محتوا و رؤس رویدادهای آنها آشنا خواهند شد لیکن ناگفته پیداست که حتماً محدودیت‌های مختلف این‌گونه کارها/گزیده‌ها (و مهم‌تر از همه تنگنای صفحات تعیین شده کتاب) ناخواسته موجب حذف بعضی از بیت‌ها و بخش‌های مهم هر منظومه هم شده است.

درباره ترتیب منظومه‌ها در این کتاب این نکته را باید توضیح داد که چون تاریخ دقیق سرایش همه ده منظومه مورد بررسی معلوم نیست، آثار بر پایه زمان داستانی درون‌مایه آنها در روند تاریخ ملی و پهلوانی ایران مرتب شده است بدین معنی که مثلاً گرشاسپ‌نامه که حوادث آن مربوط به دوره جمشید و ضحاک و فریدون است مقدم بر کوش‌نامه - که عرصه زمانی آن بیشتر شهریاری فریدون است - قرار گرفته و سام‌نامه که مربوط به روزگار پادشاهی منوچهر است پس از این دو متن آمده و سرانجام بهمن‌نامه که رویدادهایش در دوران آخرین شهریار کیانی، بهمن، اتفاق می‌افتد به عنوان واپسین منظومه آورده شده است. گرچه این

ترتیب‌بندی، نسبی است و گاهی داستانهای دو یا چند منظومه (نظیر جهانگیرنامه و بانوگشسپ‌نامه و برزونا‌نامه) در زمان مشترکی (روزگار کاووس و کیخسرو) روی می‌دهد ولی در مقایسه با دو شیوه دیگر (ترتیب تاریخی یا الفبایی) دقیق‌تر می‌نماید.

در مقدمه کتاب به همان دلیل محدودیت صفحات کار و نیز بودن دو کتاب مرجع درباره معرفی منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه،<sup>۱</sup> آشنایی با ده منظومه‌ای که ابیاتی از آنها در این برگزیده آمده، به اختصار صورت گرفته است و کوشیده شده به جای تکرار مطالب مآخذ موجود و به تبع آن، طولانی شدن گفتار، نکته‌ها و فرضیات تازه به ویژه با ارجاع به مقالات و پژوهشهای کمتر شناخته شده یا تاحدودی دور از دسترس مطرح شود.

این شیوه اختصار و ایجاز در بخش توضیحات کتاب نیز پیش گرفته شده و نگارنده با توجه به سطح عمومی دانش مخاطبان اصلی این اثر (دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته زبان و ادبیات فارسی خصوصاً دانش‌پژوهان فرهیخته دوره دکتری) از پرداختن به نکات ساده و روشن (به تعبیر معروف: توضیح واضحات و تکرار مکررات) در حد امکان پرهیز کرده است اما بی‌گمان تعیین لازم و غیر لازم در تعلیقات متون ادبی و تشخیص درست چه نوشتن و چه ننوشتن، کاری سخت دشوار و در عین حال تا اندازه‌ای سلیقه‌ای / ذوقی است از همین روی به احتمال فراوان توضیح لغات، عبارات و ابیاتی هم که در نظر خوانندگان دانشور بسیار ساده و روشن است، در میان تعلیقات کتاب یافته خواهد شد. نگارنده با اذعان به این کاستی ناخواسته و پوزش پیشاپیش از همه استادان، صاحب‌نظران، پژوهشگران، مدرّسان و دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد ادبیات امیدوار است که این بخش از توضیحات حداقل برای عموم خوانندگان علاقه‌مند به ادب منظوم پهلوانی ایران خالی از فوایدی نباشد.

۱. منظور کتابهای حماسه‌سرایی در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا و قلمرو ادبیات حماسی ایران، دکتر حسین رزمجو است.

در بخش توضیحات، مواردی از بن‌مایه‌های حماسی-اساطیری و نکات داستانی و آیینی وجود دارد که درباره‌ی شماری از آنها می‌توان با ذکر نمونه‌های تطبیقی و مقایسه‌ای در حد مقاله‌ای مستقل و نسبتاً طولانی بحث کرد - که البته در باب بعضی از آنها هم دیگران یا خود نگارنده مقالاتی نوشته‌اند - ولی بنابر همان دلیل صفحات محدود و معین کتاب، نگارنده باز به ایجاز و اختصار گراییده و با آوردن تحلیلی کوتاه یا نمونه‌های مهم، علاقه‌مندان را به منابع معتبر مربوط ارجاع داده است. از جمله این موارد که بعضاً نه تنها دچار اختصار بلکه حذف شده، شخصیت‌های داستانی منظومه‌های پهلوانی است که فقط درباره‌ی کسان گمنام یا ناشناخته که احتمال می‌رفت خوانندگان - به ویژه به سبب گزینشی بودن ابیات و روایات - آشنایی و حضور ذهن چندانی در باب آنها نداشته باشند، توضیح بسیار کوتاهی آورده شده و از معرفی اشخاص نامبرداری چون: جمشید، فریدون، ضحاک، گرشاسپ، سام، فرامرز، برزو، بهمن و... که حجم گسترده‌ای از تعلیقات را از آن خود می‌کرد، خودداری شده است. دانشجویان گرامی و علاقه‌مندان ادب حماسی غالباً با این شخصیت‌ها آشنایی کلی دارند و در صورت نیاز به آگاهی‌های تفصیلی و دقیق می‌توانند به منابعی مانند: *دانشنامه‌ی ایرانیکا (Encyclopaedia Iranica)*، *دانشنامه‌ی جهان اسلام*، *دانشنامه‌ی زبان و ادب فارسی*، *دانشنامه‌ی ایران باستان* (آقای هاشم رضی)، *فرهنگ نامهای شاهنامه* (دکتر منصور رستگار فسایی)، *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی* (دکتر محمدجعفر یاحقی)، *فرهنگ اساطیری-حماسی ایران* (ج ۱، روان‌شاد دکتر مهین‌دخت صدیقیان؛ ج ۲، دکتر سیدابوطالب میرعابدینی و دکتر مهین‌دخت صدیقیان)، *حماسه‌سرایی در ایران*، یادداشتهای زنده‌یاد استاد پورداوود در یشتها و برخی مقالات و منابع تک‌نگارانه (monograph) - که نام و مشخصات بعضی از آنها در کتابنامه این گزیده نیز یافته می‌شود - مراجعه کنند.

نکته‌ی دیگر اینکه در گزارش برخی از لغات، عبارات و ابیات نگارنده با احتیاط و احتمال سخن گفته یا دریافت و گمان خویش را به صورت پرسش مطرح کرده و یا

اینکه اساساً نتوانسته است در حدود جستجوها و بررسیهای خود به معنا/ نتیجه روشن و قاطعی برسد (برای نمونه، رک: توضیح بیت‌های ۱۸، ۵۶، ۲۵۷، ۳۸۳، ۵۵۰، ۶۶۷، ۹۲۸، ۱۶۱۴، ۲۳۲۰، ۲۵۷۱، ۲۹۶۲، ۲۹۹۱، ۳۵۶۷، ۴۰۱۱، ۴۷۸۴، ۵۲۶۵، ۵۸۸۲، ۵۹۵۳، ۶۰۶۷ و ۶۱۰۶) اینها نکات و موضوعاتی است که شاید با دقتها و مطالعات بیشتر استادان صاحب‌نظر و محققان و دانشجویان نکته‌سنج، در قالب یادداشتها و مقالاتی روشن شود.

درباره ساختار و روش کتاب باید یادآوری کرد که تقسیم‌بندی و عنوان‌گذاری بخشهای مختلف هر یک از منظومه‌ها از نگارنده است و در متن ابیات هر جا که نشانه [ ] دیده می‌شود از مصححان و ویراستاران متن اصلی منظومه‌هاست نه افزوده نگارنده مگر اینکه در توضیحات اشاره شده باشد.

متون منظوم پهلوانی نخستین گزیده آثار ادب پهلوانی (منظوم) پس از شاهنامه است و دقیقاً به همین سبب از کاستی و نادرستی به دور نخواهد بود. نگارنده آرزو دارد که نقدها و تذکرات موشکافانه استادان، دانشجویان و متخصصان فن مایه برابری کتاب شود و با انتشار متن کامل منظومه‌هایی چون برزنامه و امکان پربرگ‌تر شدن مجموعه در چاپهای احتمالی سپسین، بر دامنه‌گزینش و تعلیقات آن افزوده گردد.

از رئیس فرهیخته سازمان سمت جناب آقای دکتر احمد احمدی و مدیر محترم گروه پژوهشی زبان و ادبیات فارسی آن سازمان، جناب آقای دکتر ناصرقلی سارلی که چاپ این مجموعه را پذیرفتند و نیز از کوششها و پیگیریهای کارشناس گرامی گروه ادبیات سرکار خانم مریم فلاح شجاعی و زحمات بی دریغ خانم مژگان امیری پریان در واحد تدوین سازمان سمت از بن جان سپاسگزارم و خود را مرهون الطاف دانشمند ارجمند جناب استاد دکتر علی اشرف صادقی و سرور فرهنگ‌پرور جناب آقای علی اصغر محمدخانی می‌دانم که در پیشنهاد طرح این کتاب یاریگر و مشوق بنده بودند. همچنین از بزرگواری دوستان فرزانه جناب آقای دکتر محمود امیدسالار، محقق شاهنامه‌شناس، و جناب آقای دکتر وحید رویانی که ضابطهای

متون مصحح و چاپ نشده خویش را در اختیار نگارنده قرار دادند، تشکر می‌کنم و منت دار زحمات دیگر دوست شاهنامه‌شناس جناب آقای ابوالفضل خطیبی هستم که با جستجو در پیکره زبانی گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به پرسشهای بنده درباره معنا و شواهد کاربرد چند واژه پاسخ گفتند. در توضیحات کتاب هر گاه درباره برخی لغات اشاره شده که نگارنده در حدود بررسیهای خود، معنی یا شاهد استعمال این واژه را در فرهنگها و متون فارسی نیافته است، پیکره زبانی فرهنگستان (دربردارنده واحدهای واژگانی بیش از ۸۰۰ متن فارسی) نیز به لطف جناب خطیبی شامل محدوده این جستجو است.

اورمیّه - سجّاد آیدنلو

شهریور ۱۳۸۷

## مقدمه

مطابق اسناد و اشارات مکتوب، ادب حماسی ایران در معنای کلی این اصطلاح دربرگیرنده گستره زمانی بسیار بلندی از دوره مادها تا روزگار معاصر است. در این برهه زمانی طولانی گزارشهای مورخان یونانی از حوادث دوران مادها و هخامنشیان، بخشهایی از اوستا، یادگار زریران، خدای نامه، پاره‌هایی از بعضی متون پهلوی، مجموعه‌های داستانی و اخبار پهلوانی مستقل، شاهنامه‌های منظوم و مثنوی و... هر یک در تکوین و تکمیل این نوع ادبی مؤثر بوده است و با تفاوت در میزان اهمیت و تأثیر حماسی، بخشی از تاریخ ملی-پهلوانی ایران شمرده می‌شود.<sup>۱</sup> در ادبیات ایران پس از اسلام (زبان و ادبیات فارسی) آثاری مانند: شاهنامه مسعودی مروزی، شاهنامه ابوالموید بلخی، شاهنامه احمد بلخی و شاهنامه ابومنصوری - محتملاً همه از متون نیمه نخست سده چهارم هجری - از نخستین نمونه‌های نوع ادبی حماسه است که متأسفانه متن کامل هیچ یک از آنها به ما نرسیده است و از این روی شاهنامه فردوسی را که به لحاظ زمانی پس از متون نام‌برده سروده شده، افزون بر مهم‌ترین متن حماسی ایران به زبان فارسی باید اولین اثر کامل تاریخ ادب حماسی هم دانست که از گزند روزگار در امان مانده و به دست ما رسیده است.

جایگاه ویژه و اشتهار شاهنامه به عنوان یگانه مصداق حماسه ملی ایران،

---

۱. برای آگاهی کامل درباره آثار و اسناد ادب حماسی در این ادوار، رک: نفصلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۱۸، ۳۰، ۳۱ و ۲۶۷-۲۷۴؛ خالقی مطلق، جلال، «حماسه»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۲، ص ۷۳۸-۷۴۳؛ رزمجو، حسین، قلمرو ادبیات حماسی ایران، ج ۱، ص ۴۹-۳۸۹؛ صفا، ذبیح‌الله، حماسه‌سرایی در ایران، ص ۲۹-۳۹۰.



جریان یا نهضتی دیرباز در تاریخ فرهنگ و ادب ایران به وجود آورده است که آن را می‌توان جریان، نهضت یا سنت «شاهنامه‌گرایی» نامید. منظور از این تعبیر، انواع رویکردهای طبقات مختلف مردم ایران به شاهنامه از هنگام نظم این اثر تا دوران معاصر است که در شاخه‌های بسیار متنوع و پردامنه‌ای قابل تقسیم‌بندی است و حرمت هزار و چند ساله فردوسی را در اندیشه ایرانی نشان می‌دهد.

یکی از انواع این «شاهنامه‌گرایی» منظومه‌هایی است که پس از فردوسی و غالباً به تقلید از شاهنامه او سروده شده و معمولاً در سه گروه آثار پهلوانی، تاریخی و دینی طبقه‌بندی می‌شود.<sup>۱</sup> در میان این منظومه‌ها قدیمی‌ترین آنها به ترتیب، مثنویهای پهلوانی (با گرشاسپ‌نامه، ۴۵۸ ه. ق) و منظومه‌های دینی (با علی‌نامه ربیع، ۴۸۲ ه. ق)<sup>۲</sup> است و مشهورترین و نیز نزدیک‌ترینشان به شاهنامه از نظر موضوعی، آثار پهلوانی.

شاید کهن‌ترین اشاره و سند مربوط به معرفی منظومه‌های پهلوانی و پیروی آنها از شاهنامه این نوشته مجمل‌التواریخ و القصص (تألیف: ۵۲۰ ه. ق) باشد که: «... شاهنامه فردوسی که اصلی است و کتابهای دیگر که شعبهای آن است و دیگر حکما نظم کرده‌اند چون گرساسف‌نامه و چون فرامرزنامه و اخبار بهمین و قصه کوش پیل دندان».<sup>۳</sup>

این داوری و ارزیابی قدیمی کاملاً درست است و منظومه‌های پهلوانی،

۱. درباره دست‌بندی منظومه‌های پس از فردوسی و نمونه‌های آن علاوه بر: رزمجو، حسین، همان، ص ۱۱۵-۲۶۸ و صفا، ذبیح‌الله، همان، ص ۲۸۳-۳۹۱؛ رک: خالقی مطلق، جلال، همان، ص ۷۴۳ و ۷۴۴؛ ربیعان، محمدرضا، «حماسه»، دانشنامه ادب فارسی، ج ۲، ص ۵۳۷ و ۵۳۸. این نکته مهم را باید خاطر نشان کرد که در بحث از ادب حماسی ایران پس از اسلام به ویژه آثار پس از شاهنامه فردوسی، بیشتر به متون «منظوم» توجه و از معرفی، طبقه‌بندی و تحلیل آثار «مثنوی» غفلت شده است.

۲. درباره این منظومه که کشف و معرفی آن تحوّل بسیار مهمی در مطالعات حماسی ایران بود، رک: شفیعی کدکنی، محمدرضا، «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۴۲۵-۴۹۴.

۳. مجمل‌التواریخ و القصص، ص ۲.

«شعب» و فروع شاهنامه هستند که در برابر چنین «اصلی» کم فروغ و گمنام مانده‌اند. به سخنی دیگر، شاهنامه فردوسی با ویژگیهای منحصر به فردش همان‌گونه که احتمالاً موجب کم‌توجهی به شاهنامه‌های منظوم و منثور پیش از آن و نهایتاً فراموشی و از بین رفتن آنها شده است، یقیناً در عدم اشتها و نفوذ انواع منظومه‌های پس از خود نیز تأثیرگذار بوده و «آنجا که پای حماسه بزرگ ملی ایران یعنی شاهنامه فردوسی به میان آمده، دهها اثر قابل اعتنا و توجه به جرم اینکه پا جای پای فردوسی گذاشته و مقلد او شده و به عبارت دیگر خواسته‌اند حماسه ملی یا تاریخی یا دینی بسازند از چشم محقق افتاده‌اند.»<sup>۱</sup>

درباره کم‌اقبالی به منظومه‌های گوناگون پس از شاهنامه از جمله آثار پهلوانی، در کنار کم بودن دست‌نویسهای این متون در گذشته فرهنگی ما<sup>۲</sup> و چاپ نشدن متن کامل و انتقادی بعضی از آنها تا امروز می‌توان به یکی دو قرینه دیگر هم اشاره کرد. نخست اینکه، در نظم و نثر فارسی برخلاف اشخاص و داستانهای شاهنامه، تلمیحات بسیار اندکی به روایات و شخصیت‌های منظومه‌های پهلوانی دیده می‌شود و از بعضی نامها مانند: کوش، شهریار، کُک و جهانگیر در حدود بررسیهای نگارنده نشانه آشکاری در ادب فارسی نیست. تلمیحات نادر موجود هم یا در حد ذکر نام است (مثلاً: گرشاسپ، سام، برزو، بانوگشسپ) و یا به روایت‌های معدودی از منظومه‌ها اشاره دارد (نظیر: کین‌خواهی آذربرزین از فرامرز، اوباریدن ازدها بهمن‌را، ازدهاکشی فرامرز و کشته شدن او به دست بهمن و پناه گرفتن جمشید در سیستان) ضمن اینکه این نامها و داستانهای اندک‌شمار نیز به صورت پربسامد و در شعر شاعران متعدّد به کار نرفته است بلکه نوادر اشارات آنها عموماً در دیوان شعرای متأخری چون قآنی - که با شاهنامه و ادب حماسی ایران آشنایی دقیق و عمیقی داشته است - یافته می‌شود. از کم‌وکیف این تلمیحات می‌توان استنباط کرد که منظومه‌های پهلوانی در میان ادبا و سرایندگان بعد از فردوسی

۱. مرتضوی، منوچهر، مسائل عصر ایلخانان، ص ۵۴۹.

۲. چنان که از منظومه مفصلی مانند کوش‌نامه فعلاً فقط یک نسخه شناخته شده است.

چندان نامبردار و مورد توجه نبوده است.

دوم اینکه، میرزا محمد رفیع خان باذل (وفات: ۱۱۲۳ یا ۱۱۲۴ ه. ق) در مقدمه منظومه «حملة حیدری» از شماری از ناظمانی که پیش از او در موضوعات مختلف ادب حماسی آثاری سروده‌اند، این گونه نام برده است:

بدیدم ز هر سو یکی انجمن ستاده سر راه را کرده بند  
همه زورمند و همه یگانه‌تاز به ملک سخن دست کرده دراز  
... رسیدم به فردوسی انجمن بدیدم سر راه کرده است بند  
ز شهنامه بر دوش گرزگران وزان گشته سرکوب هر همگان  
دگر سو اسد شور انداخته درفش فریدون برافراخته  
دگر سو ستاده نظامی چه کوه ز فرسکندر گرفته شکوه  
به سوی دگر جامی<sup>۱</sup> آراسته ز سام نریمان مدد خواسته  
به جای دگر هاتفی در فغان که این بند را بسته صاحبقران  
دگر جانب استاده قاسم دلیر به تأیید فرزند حیدر چه شیر  
به راه دگر قدسی پهلوان ستاده به اقبال شاه جهان<sup>۲</sup>

اینکه باذل در قرن دوازدهم از مثنویهای پهلوانی و سراینندگان آنها فقط به اسدی توسی (گرشاسپ‌نامه) و سام‌نامه منسوب به خواجوی کرمانی اشاره کرده است شاید نشان‌دهنده ناشناختگی منظومه‌های دیگر باشد که اغلب آنها حداقل نسبت به سام‌نامه هم قدمت و هم اصالت ادبی-محتوایی بیشتری دارند.

در موضوع گمنامی یا حتی از بین رفتن آثار پهلوانی پس از شاهنامه فردوسی این نکته مهم را هم باید یادآور شد که ظاهراً برخی از مجموعه‌ها و روایات فرزندان پهلوان رستم مدتها به صورت منثور موجود بوده و بعدها از میان رفته است. برای

۱. دکتر صفا (همان، ص ۳۸۱) آن را به «خواجو» اصلاح کرده‌اند و ظاهراً در دست‌نویس حملة حیدری در کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد هم «خواجو» ضبط شده است. رک: رزمجو، حسین، همان، ص ۲۳۸.

۲. باذل مشهدی، میرزا محمد رفیع بن محمد، حملة حیدری، ص ۶.

نمونه تاریخ سیستان می نویسد: «و اخبار فرامرز جداگانه دوازده مجلد است»<sup>۱</sup> که امروز نشانی از این مجموعه مفصل در دست نیست و یا در جای دیگر (ص ۱۸۷) از بختیارنامه - درباره بختیار یکی از فرزندان رستم در روزگار خسرو پرویز - یاد کرده که باز از آثارِ فعلاً مفقودِ ادب حماسی ایران است.

این حدس احتمالی نیز قابل ذکر است که شاید منظومه‌های پهلوانی دیگری غیر از آنچه ما امروزه می‌شناسیم، سروده شده بوده که یا در طول زمان از بین رفته و یا هنوز در قالب نسخه‌ای جداگانه یا ضمن مجموعه‌ای بزرگ‌تر در گوشه کتابخانه‌ای مانده و شناخته نشده است.<sup>۲</sup>

---

۱. تاریخ سیستان، ص ۵۳.

۲. همان‌گونه که «علی‌نامه» ربیع اخیراً به همت و دقت دکتر شفیعی کدکنی شناسایی و معرفی شد و بر سابقه نظم مثنویهای داستانی دینی تقریباً چهار سده افزود.